پاینده ایران **ای آفریدگار پاک**

ترا پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

گرامی باد یاد دکتر حسین فاطمی

هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد در بیم نشد ز صاحبان دیهیم، نشد

ای جان فدای آن که پیش دشمن تسلیم نمود جان و تسلیم، نشد

هم میهنان

نوزدهم آبان شصت و سومین سالگرد شهادت **دکتر حسین فاطمی**، سردبیر شجاع و آگاه روزنامه (باختر امروز) و وزیر خارجه دولت ملی دکتر **«محمد مصدق»** که به راستی می‌توان او را از نادر شخصیت‌های سیاسی یک صد ساله‌ی اخیر ایران دانست که به گواه تاریخ و شرح اسناد و آگاهی و اشراف او بر ماهیت نظام سلطه‌ی حاکم بر کشور از همان آغاز انگشت بر نقطه‌ی اصلی درد (**استبداد و استعمار**) نهاد.

دکتر **فاطمی** در بخشی از سرمقاله روزنامه باختر امروز می‌نویسد:

خدا. ایران. آزادی

"بالاخره باید برویم به نزد پدران ، می‌شود با روی سیاه رفت؟ ماییم و آیندگان، با خفت و خواری می‌توان در گور خفت؟ نه ... در انجام وظیفه، فداکاری می‌کنیم و تا لبه پرتگاه می‌رویم ولی مردانه می‌کوشیم..."

و در سرمقاله دیگری با عنوان **یا مرگ یا زندگی** نوشت:

"ایران برخیز! بیدار شو! این خواب طولانی، افتخار را از دست تو گرفت. تو مایه‌ی فخر دنیا بودی ... حیف که منقرض شود."

هم میهنان

از دیدگاه تاریخ، ملتی دارای ارزش است که هویت و اعتبار خود را با تلاش و مبارزه‌ی فرزندانش از گزند رویدادها و مطامع بیگانگان آزمند، نگاهبانی و مصون بدارد. میهن ما در درازای تاریخ، به ویژه در سده‌ی معاصر، شخصیت‌های بزرگی را در دامان پر مهر خود پروراند تا پیشاپیش ملت در نبرد با دشمنان درونی و بیرونی، آثار فنا ناپذیری از خود، به جای بگذارد تا استقلال و تمامیت میهن‌مان بر جای بماند. **همت والای این راد مردان سبب شد در سال‌های پر تلاطم دهه سی و بعد از کودتای انگلیسی، آمریکایی و روسی ۲۸ مرداد، غارتگران نتوانند به نابودی مبارزات ملی که امید و آرزوی نهایی آنان بود، جامه عمل بپوشانند.**

دکتر حسین فاطمی یکی از شجاع‌ترین روزنامه‌نگارانی است که تا واپسین لحظه زندگی، برای مردم قلم زد، به طوری که در نخستین سرمقاله‌اش در باختر امروز، نوشت: **"دکتر مصدق پیشوای بزرگ ملی ایران، کسی است که نیم قرن تمام، در راه منافع مردم محروم این مملکت، مبارزه کرده است."**

در مجلس شانزدهم دکتر **مصدق** نماینده نخست تهران شد و پس از او دکتر **فاطمی** و ۵ تن دیگر از یارانش در مجلس، در کنار هم به پیکار ضد استبداد و ضد استعماری خود ادامه دادند. دکتر **فاطمی** در پیشنهادی برای ملی کردن نفت، به دکتر **مصدق** گفت: **"استیفای حق ملت کاری است بسیار دشوار، خصوصا که دولت انگلیس مالک بیشترین سهام شرکت است و به عنوان مالیات بر درآمد، هر سال مبلغ هنگفتی از شرکت، استفاده می‌برند." این پیشنهاد مورد موافقت دکتر مصدق قرار گرفت.** در وزارت خارجه پیکاری را که علیه انگلستان آغاز کرده بود، تا قطع منافع و خلع ید به پیش برد و **روز بستن سفارت انگلیس را که یکم بهمن ماه بود روز استقلال ایران شناخت.**

دکتر **فاطمی** ۷ ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد در ۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۲ در مخفیگاهش بازداشت می‌شود. «تیمور بختیار» فرماندار نظامی و رییس شهربانی سپهبد «علی مقدم» با یک توافق، نقشه از بین بردن او را به دست اوباش کشیدند، «**شعبان جعفری**» و عده‌ای از اوباشان حرفه‌ای به جلوی شهربانی فرا خوانده می‌شوند. خواهر شجاع و فداکار دکتر **حسین فاطمی**، خانم «**سلطنت فاطمی**»، خود را به جلوی شهربانی می‌رساند، برادرش را دست بند زده جلوی پلکان شهربانی، ایستاده می‌بیند که **شعبان جعفری به نوچه‌هایش می‌گوید: "بکشیدش. بکشیدش." به ضرب چاقو و چماق او را مضروب می‌کنند** که جان سالم به در نبرد. **خواهر از جان گذشته، خود را بر روی برادرش می‌اندازد و از** «**مراحم**» **استبداد، ۱۰ ضربه به خواهر و ۶ ضربه به دکتر فاطمی وارد می‌شود.** فریادهای این بانوی شجاع که: **"مردم برادرم را کشتند. مردم فاطمی را کشتند."** سرانجام دکتر **فاطمی** را در حالی که در حرارت تب، بدنش می‌سوخت و فشار خونش ۷/۵ بود، تحت بازجویی‌های پی در پی قرار می‌گیرد، به طوری که او را برای دادگاه هم با برانکارد، داخل سالن می‌آورند. **دکتر فاطمی در زندان در دست‌نوشته ای که بر روی پاکت سیگار به آیت‌الله «سیدرضا زنجانی» که او هم در زندان بود، نوشت: "... آرزو دارم که نفس‌های آخر زندگی‌ام نیز در راه نهضت و سعادت هموطنانم صرف شود، به هر حال داغ باطله بر کنسرسیوم و حامیان او بزنیم، بر فرض که نگذارند به اطلاع هم میهنان، برسد و صدای ما را خفه کنند، در تاریخ و در پرونده‌ها باقی خواهد ماند تا نسل آینده برای زیستی شرافتمندانه و نیل به آزادی، ادامه دهنده این راه باشند."** سرانجام بامداد **چهارشنبه نوزدهم آبان ۱۳۳۳** در ساعت چهار و هفت دقیقه، تیمور بختیار و «آزموده» دادستان ارتش، حکم اعدام دکتر **فاطمی** را به او ابلاغ کردند. آزموده که به درستی لقب «آیشمن» گرفته بود، گفت: "اگر وصیتی دارید بفرمایید..." دکتر **فاطمی** سخنان او را قطع کرد و گفت: **"آری آقای آزموده، مرگ حق است و من از مرگ ابایی ندارم، آن**

هم چنین مرگ پرافتخاری و من می‌میرم که نسل جوانان ایران از مرگ من عبرتی گرفته و با خون از وطن‌شان دفاع کرده و نگذارند جاسوسان بیگانه بر این کشور حکومت نمایند، من درهای سفارت انگلستان را بستم، غافل از این که تا عوامل بیگانه حکومت می‌کنند، انگلستان سفارت لازم ندارد." آزموده از او می‌خواهد: "اگر خواسته‌ای دارید، بگویید." **فاطمی می‌گوید: "خواسته‌های من، دیدن خانواده، ملاقات با دکتر مصدق و صحبتی با افسران است." آزموده هم می‌گوید: "هنوز هم دست از این مرد (مصدق) بر نمی‌داری؟"** دکتر **فاطمی** در برابر جوخه اعدام، گفت: "آقای آزموده، مرگ بر دو قسم است، مرگ در رختخواب ناز و مرگ در راه شرف و افتخار، خدای را شکر که در راه مبارزه با فساد، شهید می‌شوم... امیدوارم سربازان نهضت، هم‌چنان مبارزه را ادامه دهند." **هشت گلوله از اسلحه چهار مامور ایرانی که اسلحه بیگانگان به دست‌شان داده بودند، شلیک شد ... و «زنده باد مصدق» آخرین کلامش و فاطمی جان باخت.** مزار سردار بزرگ نهضت ملی ایران بر طبق خواست او در جوار مزار شهیدان سی تیر، در «ابن بابویه» تهران، قرار دارد و مزار خواهر فداکارش نیز در کنار مزار اوست. بر سنگ مزار این میهن پرست نامدار، این شعر نوشته شده است:

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه

که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

حزب ملت ایران بر این باور است؛ خون پاک دکتر **حسین فاطمی**، «**داریوش و پروانه فروهر**» و سایر شهیدان، پیامی است برای ملت ایران و نسل امروز که در برابر استبداد بایستند و برای حفظ استقلال کشور و رهایی ملت از فساد و باند بازی، نامرادی‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به همبستگی ملی روی آورده و تا رسیدن به آزادی و استقرار حکومت مردم‌سالار، به تلاش خود ادامه دهند.

درود به دکتر سید حسین فاطمی، شهید راه آزادی و استقلال

آزادی زندانی سیاسی و مدنی خواست ملی است

برقرار باد همبستگی ملی، پایندان مردم‌سالاری

حزب ملت ایران

تهران- ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۸ خورشیدی